



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

نقد مصادیق شرک در وهابیت طبق آیات و روایات

فرهاد عبدلی

سطح ۲ حوزه (کارشناسی)

farhad7645@gmail.com

چکیده

وهابیت در موضوعات گوناگون دیدگاه های ویژه ای جدا از سایر مذاهب و فرقه های اسلامی دارد . یکی از این باورهای خاص این فرقه اختلاف در تبیین مسائل مرتبط با امامت و اولیاء الهی است که با تکیه بر مبانی خاص در تعریف شرک و مصادیق آن شکل گرفته است . وهابیت با نفی نظام علی و معلولی ، واسطه فیض بودن ائمه اطهار علیهم السلام را انکار می کنند و در نتیجه مواردی مانند توسل به ائمه علیه السلام، تبرک و شفاعت خواهی از ایشان و قسم خوردن بر غیر خدا را بدعت می دانند . با توجه آیات و روایات و دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به آسانی می توان به باورهای نادرست وهابیون در باب مصادیق آگاهی پیدا کرد و بسیاری از اعمال صحیح مانند تبرک و توسل به انبیاء و اولیاء الهی درخواست شفاعت از آنان و سوگند یاد کردن به غیر خدا را از محدوده شرک خارج نمود . بلکه هدف، تعظیم شعائر الهی طبق دستور الهی است که تا رضای خدای تعالی رابا این امور به دست آورند . با رجوع به قرآن و روایات عقاید وهابیون ثابت می شود . تبرک و توسل به انبیاء و اولیاء الهی درخواست شفاعت و نیز قسم به غیر خدا را زمانی که به اذن و بدون اعتقاد به تاثیر استقلالی این موارد و فقط برای تقرب به خداوند متعال باشد ، جایز دانسته است . نه تنها شرک نیست بلکه اجر و ثواب خاص خود را دارد .

کلید واژه: وهابیت ، توسل ، تبرک ، قسم ، شفاعت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

وهابیت یکی از فرقه‌هایی است که به وسیله محمد بن عبدالوهاب شکل گرفت و تبلیغ رسمی مبانی فکری وهابیت بر انحرافات شدید در امور اعتقادی، اثبات شرکت و کفر به وسیله ابن تیمیه آغاز شد. خطرناک‌ترین چیزی که ابن تیمیه در آغاز دعوت خویش مطرح کرد افکار عمومی را متشنج و عقاید مردم را جریمه‌دار کرد.

طرفداران وهابیت شیعه را به دلیل اعتقاد آنان به تبرک، شفاعت خواهی و توسل و قسم و... به اولیاء الله را شرک و انجام دهندگان را مشرک می‌دانند. هدف آنان از ابزار این عقاید، گسستن ارتباط شیعیان با ائمه اطهار است.

اما در صورتی که آنها نزد خدا فضیلت و تقرب دارند و آنان بدون اذن الهی نمی‌توانند خیری برسانند یا شری را دفع کنند نتها این کار شرک نیست بلکه اجر دنیوی و اخروی فراوانی دارد، خود انسان سود فراوانی از آن می‌برند.

به دلیل آن است که شیعیان اهل البیت علیه السلام را واسطه بین خود و خداوند قرار می‌دهند و آنها را نمی‌پرستند که شرک محسوب شود. در صورتی که آیات و روایات زیادی وجود دارد که می‌توان اثبات کرد که توسل، تبرک و شفاعت خواهی اهل البیت علیه السلام و قسم به غیر خدا شرک نیست. بلکه موجب می‌شود نور هدایت در قلب شیعیان زیاد شود و از گمراهی نجات پیدا کنند. مواردی که گفته شده اختصاص به حیات اهل البیت علیه السلام ندارد بلکه شامل بعد از وفات آنها هم می‌شود.

مفهوم لغوی واصطلاحی توسل

معنایی توسل در لغت: یعنی باعمل یا وسیله به خدا متوسل شدن.

(

توسل یا ارادی یا طبیعی، وسیله ارادی مانند انبیاء، ائمه و اولیاء مقربین و وسیله طبیعی مانند درجات ایمان، و مقامات معرفت و صفات روحانی و اعمال خاص الهی.

(مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، چاپ اول، ج ۱۳، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹.)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معنایی لغوی واصطلاحی تبرک

تبرک در لغت: به معنای طلب برکت است و برکت به معنای فضل، فیض، خیر و زیادت مخصوص، خواه مادی باشد یا معنوی. (مصطفوی، حسن، همان، ج ۱، ص ۲۵۹).

و در اصطلاح: عبارت است از پدید آمدن خیر الهی در امور و فراوانی خیر و بسیار شدن آن که شامل امور خیر دنیوی و اخروی از جمله پاداش اعمال، امنیت و مایه درونی انسان از دنیا است.

(ابن کنیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، بیروت، مکتبه المعارف، ج ۱، ۱۹۳۵، ص ۲۵۹).

مفهوم لغوی واصطلاحی قسم

در لغت: به معنای اقرار اعترافی که شخص از روی شرف و ناموس خود می کند خدایی بزرگ را شاهد می گیرد. (حسن احمدی گیری، سید جعفر شهیدی، محمد معین، علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه چاپ انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۳۲۴).

و در اصطلاح: به معنایی قسم خوردن به ذات خدا یا اینکه خاص خداوند است. مثل الله، بالله.

ذات خدا یعنی بدون این که قسم به اسمی از اسماء خدا باشد عباراتی آورد که دلالت بر ذات خدا می کند مثل والذی نفسی بیده: قسم به آن کسی که جانم در دست اوست.

(شهید ثانی، الروضه البهیة، مکتب اعلام اسلامی، چاپ دوم، ج ۱، ۱۳۶۵، ص ۲۳۴).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مفهوم لغوی واصطلاحی شفاء

در لغت به معنای وساطت و میانجی گری است.

(فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، موسسه الاعملی للمطبوعات، ج ۱، ۱۴۰۸، ص ۲۶).

پس شفاعت همان پیوستن و انضمام به کسی که از نظر حرمت و

مقام، بالاتر از کسی که مادون اوست که مورد شفاعت قرار می گیرد .

(حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، تهران، موسسه الصادق الطباعة والنسر، ۱۴۱۶، ق، ص ۲۶۳).

واما در اصطلاح برای شفاعت معانی گوناگونی بیان شده است. همچون ظهور هر تاثیر خیری در انسان توسط شخص دیگر.

(علم الهدی، محمد باقر، شفاعت تهران، مرکز فرهنگی انتشارات منیر، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

یا به عبارت دیگر کسی که برای دیگری طلب بخشش نماید، و رفع نیاز او را بخواهد. (محمد بن عمر، فخر رازی، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ج ۳، ۱۴۲۰، ق، ص ۵۵).

براساس دیدگاه علامه طباطبایی شفاعت در اصطلاح به این معناست که شخص که متوسل به شفیع می شود، نیروی خودش به تنهایی کافی نیست، لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره می زند به دلیل این که نیروی خودش به تنهایی ناقص وضعیف و کوتاه بوده. (طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم، بنیاد فرهنگی علامه طباطبایی، ج ۱، ۱۴۱۷، ق، ص ۱۵۷).

مصادیق شرک از دیدگاه وهابیت

۱- توسل به انبیاء و اولیای الهی:

یکی از مسائلی که محور شبهه افکنی و ایجاد تفرقه میان مسلمان قرار گرفته، مسئله توسل الهی است. توسل به پیامبران و اولیاء الهی را برا نخستین با ابن تیمیه در قرن هشتم هجری انکار کرده و پس از چند قرن این جریان به وسیله محمد بن عبدالوهاب شدت گرفت و توسل به ایشان، نامشروع و از مظاهر شرک و احیاناً عبادت اولیا اعلام و معرفی شد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ابن تیمیه معتقد بود که احدی از علما نگفته است که توسل واستشفاع از پیامبر (ص) یا هر فرد صالحی پس از وفاتش جایز باشد و چنین چیزی را دوست نداشتند؛ زیرا دعا و توسل عین پرستش و بندگی است. (رضوانی، علی اصغر، ابن تیمیه موسس افکار وهابیت قم، انتشارات جمکران، ۱۳۹۰، ص ۳۰۰).

بنده بر نظر محمد بن عبدالوهاب، اگر کسی تمام شب و روز عبادت کند و آنگاه در کنار قبر پیامبر(ص) ویاولیّ خدا حاضر شود و آنان را صدا کند، درحقیقت، دو پروردگار را پرستیده است و این چنین فردی موحد نیست. (ناهدید فوزی، عبدالوهاب البیانی حیاة وشعره، نشر: ثارالله، چاپ اول، ج ۴، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶).

به گفته بن یاز توسل به صالحان دو قسم است: قسم اول، توسل به دعای آنهاست و این اشکالی ندارد؛ زیرا صحابه رسول خدا (ص) در زمانی که آن حضرت زنده بودن به دعای آن حضرت متوسل می شدند و پیامبر درباره آنها دعا می کرد و آنان فیض می رسیدند.

قسم دوم، توسل به خودت آنهاست. این گونه توسل جایز نیست، بلکه از جهتی بدعت و از جهتی شرک است؛ زیرا کسی که معتقد باشد شخصی در تحقق امر تاثیر گذار است، نوعی از انواع شرک را اظهار کرده.

در این دیدگاه، فرق میان توسل به شخص یا توسل به دعای آن شخص مشخص نیست و نیز جایگاه ورزش نیت در عمل نیز نادیده گرفته شده است و ظاهر عمل، ملاک شرک بودن یا نبودن آن است. (رضوانی، علی اصغر، البانی و بن باز محدث مفتی وهابیان، تهران، نشر معشر، ج ۴، ۱۳۹۰، ص ۳۱۱).

۱-۱ نقد توسل

توسل واسطه قرار دادن شیء شخصی است برای رسیدن به مطلوب می باشد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ* ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجویید (سوره مائده آیه ۳۵).

در رابطه با این آیه روایتی وجود دارد. الرسول (ص) سَلُوا اللَّهَ لِيَ الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا عَبْدٌ وَاحِدٌ وَارْجُوا إِن كُنتُمْ أَنَا هُوَ: پیامبر (ص) از خداوند برای من وسیله را بخواهید که آن جایگاه و مرتبه ای در بهشت است که تنها یک بنده به آن دست رسی دلرد و امید لَبَّان دارم که آن بنده من باشم.

(برازش، علیرضا، تفسر اهل البیت علیه السلام، نشر امیر کبیر، چاپ دوم، ج ۴، ۱۳۹۶، ص ۳۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و آدمی برا تحصیل کمالات مادی معنوی، به غیر خدا نیازمند اس و براساس دیدگاه وهابیت که می فرمایند توسل یک نوع شرک است اما در صورتی توسل شرک محسوب میشود که خود اهل بیت علیه السلام را انسان بپرستد، درحالی که معصومین علیهم السلام پاک و ظاهر هستن واسطه بین خود و خداوند قرار می دهند و حاجت خودرا از آنها درخواست می کنند.

واز آنجایی که اهل البیت علیه السلام از اسباب و وسیله های فیض هستند و می توانند حاجت را به طور مستقیم از خداوند درخواست کرد، توسل به اولیاء الهی در هنگام دعا نیز از اسباب فیض و وسایل قرب به خداوند است و این نیز شرک نیست، زیرا تاثیر گذاری آنها به صورت غیر استقلالی و وابسته به اراده و قدرت الهی است.

و در نهایت حاجت خواستن و توسل کردن به اهل البیت (ع) شرک در ربوبیت نیست، مانند پزشک و دارو، شرک در ربوبیت نیست. روحانی، سید محمد کاظم، شفاعت و توسل، قم، نشر معارف، چاپ سوم ۱۳۸۴، ص ۶۵).

وهابیون توسل شیعیان به پیامبر (ص) و ائمه علیه السلام را مانند بت پرستی مشرکان می دانند.

باید گفت این دو عمل کاملا باهم تفاوت دارند. طبق آیه قرآن که خداوند متعال می فرماید: *اولئک الذین یدعون یتبعون*

الی ربهم الوسیله ایهم اقرب و یرجون رحمته و یخافون عذابه ان عذاب ربک کان مخذورا: آنهایی که می خوانند آنان خود به درگاه خدا وسیله تقرب می جویند، تا که مقرب تر باشد؟ و امید وار رحمت و ترسان از عذاب اویند که البته از عذاب پروردگارت باید سخت هراسان بود. (سوره الاسراء آیه ۵۷)

توسل و دست به دامن شدن به بعضی از مقربین درگاه خداوند طبق آنچه که در آیه گفته شده است عملی صحیحی است و غیر از آن عملی است مشرکین بت پرست می کنند، چرا که انسان ها متوسل به درگاه خداوند می شوند، ولی تقرب و عبادت را نسبت به ملائکه و جن و اولیاء الهی انجام می دهند و عبادت خدا را ترک می کنند نه اورا عبادت می کنند و نه به او امید وارند و نه از او بیمناک، بلکه همه امید و ترس شان نسبت به وسیله است. تنها وسیله را عبادت می کنند و امید وار رحمت ترسانک از عذاب آن هستند که برای تقرب به آن وسیله که به متوسل می شوند یا ملائکه و یا جن یا انس، که متوسل به بت های مجسمه ها شده اند، خداوند را رها می کنند و بت هارا می پرستند و یا دادن قربانی به آنها تقرب می جستند. ولی شیعیان اهل البیت علیه السلام را وسیله برای تقرب به خداوند متعال می دانند و به این بزرگواران توسل می کنند.

(طباطبایی، سید محمد حسین همان، ج ۱۳، ص ۱۲۹-۱۳۰).

برخی این شبهه را مطرح می کنند که توسل اختصاص به زمان حیات پیامبر دارد. در جواب نی توان گفت که دلیلی بر این اختصاص وجود ندارد، بخاطر این که روح و بقاء دارد و احساس، درک و دریافت از سوی روح انجام می گیرد و بدون شک آن حضرت کامل ترین احساس و برترین ادراک و قوی ترین دریافت را دارد. توسل به دعای پیامبر (ص) همان گونه که در حیات ایشان جایز است، بعد از رحلت آن حضرت نیز مشروع است.

خداوند متعال در آیه ۶۴ سوره نساء می فرماید: *وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاوَوْكَ فَاسْتَغْرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا*: و ما رسولی نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق به امر خدا اطاعت او کنند و او



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هنگامی که آنان بر خود ستم کردند به تو رجوع می کردند و از کردار خود به خدا توبه نموده و تو هم برای آنها استغفار می کردی و از خدا آمرزش می خواستی، در این حال البته خداوند توبه پذیر و مهربان یافتند.

با توجه به این آیه می توان فهمید که واسطه قرار دادن پیامبر (ص) برای توسل و دعا کردن، برای انسان های گناهکار مطلوب و مفید است، طبق آیه ۶۴ سوره نساء توسل شامل دوران حیات و دوران پس از رحلت ایشان است و اگر کسی بخواهد توسل به ایشان را در این پایه محدود به دوران حیات آن حضرت قرار دهد اشتباه کرده و به بیراهه رفته است. پس صرف توسل شرک نیست، بلکه اگر کسی با اعتقاد به ربوبیت اهل بیت علیه السلام به آنان توسل جوید، مشرک می شود و بخاطر این که اعتقاد به دو واجب الوجوب دارند (علامه طباطبائی، سید محمد حسین، همان.)

اما اگر کسی آنان را واسطه درگاه الهی موثر در این عالم بداند طبق آیه ۱۸۸ سوره اعراف که خداوند متعال می فرماید: قُلْ لَا اِمْلَکُ لِنَفْسِیْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ: بگو که من مالک نفع و ضرر خویش نیستم، مگر آن چ خدا خواسته است. این عمل نه تنها شرک نیست بلکه بهترین مصداق و نمونه توحید است.

۲- تبرک به غیر خدا

وهابیون بر شیعیان بلکه بر تمام فرقه های مسلمان در موضوع تبرک اشکال وارد کرده اند، سخن آنان این است که چرا شیعیان قبور پیامبران، امامان، صالحان و اولیاء الله را می بوسند و به آنان تبرک می جویند. در صورتی که این عمل مانند جاهلیت است که آنها نسبت به اصنام و بت های خود انجام می دادند، وهابیون درباره مجاز نبودن تبرک، برخلاف رئیس مذهب خود فتوا داده اند؛ زیرا طبق گفتار ابن تیمیه احمد ابن حنبل و اصحاب مالک، در تبرک به منبری که محل نشستن پیامبر و جای دست اوست، رخصت داده، ولی تبرک به قبر پیامبر رخصت نداده، برخی از روایات، تبرک به قبر پیامبر (ص) را حکایت کرده اند؛ زیرا احمد برخی از مردگان را تشیع کرد، دستش را بر سر قبر او گذاشت و برای او دعا می نمود و فرق بین این دو موضع را روشن دانسته است.

(رضوانی، علی اصغر، احمد بن عبدالحلیم، ابن تیمیه موسس افکار وهابیت، قم، کتاب جمکران وابسته مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵، ص ۷۲۱).

طرفداران وهابیت، تبرک به آثار اولیاء الله را شرک و انجام دهندگان آن را مشرک می دانند. لذا مسلمانی را که به قبر تبرک می جویند و یا به زیارت آن می روند، قبوریین می نامند. آنان گشتن دور قبر، تبرک جستن و مسح کردن به آن را سب شرک دانسته، این امر را همانند اعمال بت پرستان می دانند. از این می گویند و دست گذاشتن روی قبر، بوسیدن آن و... را بدعت هایی است که شرعا الان منع شده است. و تبرک از اماکن های مقدس و اعیاد را با بت پرستی جاهلیت مقایسه می کنند.

(رضوانی، علی اصغر، همان، ص ۳۱۴).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱-۲ نقد دیدگاه وهابیت در تبرک

یکی از امور رایج در

نزد تمام مسلمانان، تبرک و آثار انبیاء و اولیای الهی، به ویژه رسول گرامی اسلام است. هرگز نباید پنداشت که نزول برکت الهی بر چیزی، منافات با عمل سایر عوامل دارد؛ زیرا معنایی اینکه خداوند اراده کرد، که فلان چیز برکت خوبی کثیر داشته باشد، این نیست که اثر اسباب و علل مقتضی را ابطال کند، چون اراده خداوند سببی در طول سایر علل و اسباب است نه در عرض آن، هدف خداوند از نفس تاکید اشیاء با موجودات نفی از تاثیر استقلالی است.

اگر شیعیان انبیاء و اولیاء الهی را تعظیم می کنند و با تربت آنان تبرک می جویند، برای این است که این اعمال در مصادیقی برا تعظیم شعائر می دانند.

(روحی برندق، کاوس، مرادی لیل، نقدمبانی وهابیت در مسئله شرک، تهران، پژوهش نامه معارف قرآنی، ۱۳۹۰، ص ۴۵).

خداوند متعال سوره حج آیه ۳۲ می فرماید: ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ: این است و هرکس شعائر خدا را بزرگ و محترم دارد از داری صنف دل‌های با تقواست.

پس چنین کسی که این گونه اعمال را انجام می دهد، می خواهد وسیله ای به درگاه خدا ببرد و بنا آنچه خداوند متعال در سوره مائده آیه ۳۵ می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ

عمل کرده باشد با این وصف، می توان گفت که خدای تعالی ابتغاء وسیله به انبیاء و اولیاء را تشریح کرده است و دوست داشتن آنان و تعظیم ایشان را واجب فرموده است. همین دوستی و تعظیم را وسائلی به درگاه خود قرار داده است. در این صورت معنا ندارد که خدای تعالی محبت به چیزی و تعظیم آن را واجب کند و در عین حال، آثار آن را تحریم نماید. بنابراین هیچ منعی وجود ندارد که کسب از راه دوستی امامان الهی و همچنین سایر آثار ولوازمی که برای دوستی هست، به درگاه خدا تقرب بجوید، ناگفته نماند که، تعظیم و بوسیدن ضریح سایر آثار آن در صورتی مورد قبول است که جنبه توسل و استشفاع داشته باشد، نه اینکه این امور و این اشخاص را مستقل در تاثیر بداند و با این اعمال جنبه پرستش داشته باشد. بنابراین می توان گفت که همه چیزها و کارها به اذن مشیت الهی است کمی توان به آن تبرک جست، زیرا آنها نزد خداوند فضیلت و تقرب دارند و آنان بدون اذن الهی نمی توانند خیری برسانند یا شری را دفع نمایند. (علامه طباطبایی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۰، ص ۲۹۵-۳۹۶)

خداوند متعال در رابطه با حضرت ابراهیم و فرزندش اسحاق در سوره نمل آیه ۹ چنین می فرماید: فَلَمَّا جَاءَهَا نُورِي أَنْ بُورِكَ مَن فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: هنگامی که نزد آتش آمد ندایی برخاست که مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است و منزله خداوندی که پروردگار جهانیان است



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

باتوجه آیات قرآن، بعضی از مکان ها برکت دارند: مانند مسجدالحرام؛ اِنَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِيْ بِبَكَّةَ مُبَارَكًا: اولین خانه عبادی که برای مردم بنا نهاده شد، آن خانه ای است که در مکه واقع است؛ خانه ای که پر رکن که مایه هدایت عالمیان است. (سوره آل عمران آیه ۹۶)

و مانند مسجد الاقصی که خداوند فرموده است: سُبْحَانَ الَّذِيْ اَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِيْ بَارَكْنَا اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيْرُ: پاک و منزه است خدایی که در مبارک شبی، بنده خود را از مسجدالحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را مبارک ساخت سیر داد تا آیات خود را به او بنمایاند که همانا خداوند شنوا و بینا است. (سوره الاسراء آیه ۱)

و می توان پی برد که که برخی از زمان ها برکت دارند: مثل شب قدر اَنَا اَنْزَلْنَاهُ فِيْ لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ: که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم. (سوره دخان آیه ۳)

و دهه ی ذی حجه: وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ " به سپیده دم سوگند به شبهای ده گانه. (سوره الفجر آیه ۱ و ۲)

ماه های حرام: يَسْأَلُوْنَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيْهِ قُلْ قِتَالٌ فِيْهِ كَبِيْرٌ: از تو درباره جنگ کردن در ماه حرام سوال می کنند بگو جنگ در آن، گناهی بزرگ است. (سوره بقره، آیه ۲۱۷)

وقت سحر: وَ بِاللَّسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُوْنَ: و در سحرگاهان استغفار می کردند.

در این جا باید از وهابیون در رابطه با پیراهن حضرت یوسف پرسید که خداوند متعال در سوره یوسف آیه ۹۶ می فرماید: اذْهَبُوْا بِقَسِيْصِيْ هٰذَا عَلٰى وَّجْهِ اَبِيْ يٰٓاَتِ بَصِيْرًا: یعقوب نیز پیراهن یوسف را بر دیدگان خود افکند در همان دم بینایی خود را باز می یابد.

پس تبرک به انبیاء و اولیاء الهی، مکان های مقدس، زمان ها مبارک و اشیاء متبرکه، همگی به اذن خدا هیچ یک به صورت مستقل قابل تبرک نیست و نیز آنها به معنایی اسقاط و اسباب علل نیست.

روایت شده است که حضرت زهرا سلام الله علیها بر سر قبر پدر رفته و قبضه ای از خاک قبر پدر را برداشتند و بر روی چشمان سرگذاشتند.

روزی مروان بن حکم وارد مسجد شد و دید مردی صورت برقبر پیامبر(ص) نهاده است و مروان گردن او را گرفت و گفت می دانی چکار می کنی او سر برداشت و معلوم شد که ابو ایوب انصاری است، گفت من نزد سنگ نیامده ام و نزد پیامبر آمده ام.

(ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، موسسه الرساله، ج ۳۸، ۱۴۲۱ ق، ص ۵۸۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳-قسم خوردن به غیر خدا

سوگند به غیر خدا از مسائلی است که وهابیون روی آن حساسیت خاصی دارند ابن تیمیه می فرماید قسم خوردن به غیر خدا شرک است. و مهمترین دلیل او روایتی است که می فرماید: مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرُوا اشْرِكُ * هرکس به غیر خداوند قسم یاد کند مشرک و کافر است.

(ترمذی، محمد، سنن الترمذی یشار عواد معروف، بیروت، دارالعرب الاسلامی، ج ۳، ۱۹۹۸م، ص ۱۶۲).

قسم دورغ خوردن نزد من محبوب تر از قسم راست به غیر خداوند است، که آن مشروع نیست ونهی شدیا به صورت تحریفی ویا تنزیهی می باشد. (صنعانی، عبدالرزاق بن همام، الصنف، بیروت، المجلس العملى، ۱۴۰۳، ص ۲۱۸).

۳-۱ - نقد دیدگاه وهابیت درقسم خوردن

اگر هدف از قسم خوردن به غیر خدا این باشد که با آن غیر خدا تعظیم و تجلیل شود، آن خضوع و عبادت غیر خدا ست ویا اگر قصد قسم خورده، اعطای عظمت ربوبیت مستقل به کسی باشد که به او قسم خورده، شرک است و اگر هیچ یک از این دو هدف را نداشته باشد، اشکالی ندارد. باید از وهابیون سوال شود که مقصود او از این شرکی که اراده کرده چیست؟ اگر مقصود او آن باشد که در غیر خدا تعظیم کسی است که به او قسم یاد شده است درقسم نوعی خضوع عبادت اوست واین شرک به حساب می آید؛ جواب این است که همه تعظیم شرک به حساب نمی آید، مگر اینکه به شخص قسم یاد شده عظمت و ربوبیت مستقل داده شود که از غیر خود بی نیاز است.

خداوند متعال به بسیاری از مخلوقات خود از قبیل نفس، کتاب، قرآن عظیم، زندگی پیامبر(ص)، ملائکه و غیر اینها قسم یاد نموده است و هیچ قسمی به جز از روی تعظیم استقامت نیامده پس چه مانعی است که همان کاری را که خداوند انجام داده، و با اینکه مخلوقات خود را عظمت بخشیده است و آنان را تعظیم کره، مانیز این کار را انجام دهیم و برآن اکتفا نماییم و اگر این کار شرک بود، مقصود آن است که مطلق تعظیم غیر خدا هرگونه که باشد، شرک است حتی آن گونه که خدا مخلوقات خود را تعظیم می کند، در حق غیر خدا جایز نیست آن گونه تعظیم نماید. (روحی برندق، کاوس، مرادی لیلا، همان، ص ۷۰).

خداوند متعال در قرآن قسم به غیر خدا را بیان کرده مانند: وَالشَّمْسُ وَضُهَا هَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا. وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا وَمَا بَنَّا هَا: به خورشید و گسترش نور آن سوگند. و به ماه هنگامی که بعد از آن در آید. و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد. و به شب آن هنگام که زمین بپوشاند- و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده. (سوره شمس آیه ۵)

و یا * لَعْمَرُكَ أَنْهُمْ لَفِي سَكْرَةٍ يَمْمَهُونَ: ای پیامبر به جان تو سوگند که آنها در مستی شهوات خود سر گردانند. (سوره حجرات آیه ۷۲)

اگر قسم خوردن به غیر خدا شرک و حرام بود، خدا خودش به جان پیامبر قسم نمی خورد و اگر قسم خوردن به غیر خدا برای بشر ممنوع بود و باید در قرآن یا روایت، این انحصار بیان می شد تا مسلمانان منحصر بودن برای خداوند را بفهمند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سوگند به غیر خدا در روایات زیادی بیان شده از جمله: جاءَ رَجُلٌ الى النَّبِيِّ فَقَالَ: يا رَسُولَ اللهِ، أَلَيْ الصَّدَقَةُ اعْظَمُ اجْرًا؟ فَقَالَ: اَما وَابِيكَ لَتُبْنَانَهُ، اَنْ تَصَدَّقَ وَ اَنْتَ صَحيحٌ صَحيحٌ، نَخشى الفَقْرَ وَ تَأْمَلُ البَقَاءَ: مردی حضور پیامبر آمد و گفت ای پیامبر خدا پاداش کدام صدقه بزرگ تر است؟ حضرت فرمود: سوگند به پدرت از آن آگاه می شوی! این که صدقه دهی در حالی که سالم هستی و به آن حرص داری، از فقر می ترسی و به فکر زیستن در آینده هستی.

(محمد بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دلراحياء التراث العربی، ج ۲، ص ۷۱۶.)

به طور کلی، در سوگند خوردن به هر چیزی، نوعی تعظیم مورد سوگند است و خلق خدا که در آیات و روایات مورد سوگند قرار گرفته اند، بدان دلیل که دست پرورده خداست، جمیل و جلیل است، چون خود او جمیل است جز به جمیل چیزی را خلق نمی کند. فعل قبیح و ناپسند از هر کس قبیح است و فرقی بین خالق و مخلوق نیست. چنان چه قسم به غیر خدا دارای هدفی عقلانی باشد بی اشکال و جایز است. غالباً هدف خداوند از قسم خوردن به موجودات، توجه داد انسان ها به اسرار نهفته در آنها و سعی در کشف اسرار درونی موجودات است. اما هدف از قسم خوردن انسان به امور مقدس، علاوه بر اشاره به قداست آنها، ترغیب و تشویق یا ترساندن و برحذر داشتن یا جلب اعتماد طرف مقابل است.

۴- شفاعت خواهی از پیامبر(ص) و اولیاء الهی:

وهابیت با تحریم شفاعت و شرک دانستن آن که یک امر مسلم قرآنی و حدیثی است. مخالفت خود را با قرآن و سنت ضروری اعلام کرده، این مطلب به طور صریح در کتاب های وهابیت منعکس شده است و آنان در عمل، به شدت برخورد می کنند و حتی قتل آنان را واجب می دانند. وهابی ها معتقدند که شفاعت از انواع شرک در عبادت است و اگر کسی شخصی را میان خود و خدایش شفیع اواسط قرار دهد مشرک است این تیمیه برا

ی منع شفاعت به این موضوع اشاره می کند که درخواست شفاعت از سوی هیچ یک از صحابه و تابعین انجام نگرفته است و هیچ یک از پیشوایان مذاهب اسلامی به انجام آن توصیه نکرده اند. (ابن تیمیه، مجموع فتاوی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۰.)

۴-۱- نقد دیدگاه وهابیت در شفاعت

مسئله شفاعت یکی از سنت های خداوند است که براساس آیات قرآن و روایات شیعه و سنی، امری مسلم و غیر قابل انکار است، اعتقاد به شفاعت و اینکه پیامبران و اولیاء و صالحان در روز رستاخیز درباره کسانی که پیوند ایمانی خود را با قطع نموده است و رابطه معنوی خود با شیعیان درگاه الهی حفظ کرده اند، وساطت و شفاعت خواهند کرد، دارای آثار ارزنده تربیتی است، و کاملاً جنبه سازندگی دارد و سبب می شود که گروهی از گناهکاران به راه اطاعت باز گردند.

(روحی برندق، کاوس، مرادی لیلیا، همان)

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَ مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كَفْلٌ مِّمَّهْرٍ وَ كَانَ اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا: هر کسی در کار نیکی میانجی شور، او را از آن نصیبی است و هر کس در کار بد میانجی شود، او را از آن بهره ای است و خدا نگهدارنده برای چیز است. (سوره نساء آیه ۸۵)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: چون شفاعت یک نوع واسطه برای ترمیم نقصان یا به دست آوردن مزیتی یا چیزی نظیر اینهاست. درحقیقت نوعی نسبت برای اصلاح شان دارد و به همین سبب، هر ثواب و عقابی که در خود آن شان است، سهمی هم در این شفاعت خواهد بود و این سهم از ثواب و عقاب، هدف مشترک شفیع و شفاعت شده است. پس شفیع بهره ای الخیر شکر دارد که مترتب بر شفاعت می شود. آیه در باب نهی از شفاعت بد است که آن شفاعت اهل ظلم، طغیان، نفاق و شرک است که مفسدان در زمین هستند. (علامه طباطبایی، همان، ج ۵، ص ۲۸)

امام خمینی ره درباره شفاعت این گونه می فرماید که شفاعت همان ملحق شدن نور هدایت الهی به نور بنده مومن است کار زمانی که انسان از خود نوری نداشته باشد به نور ولایت ملحق نمی شود و شفاعت شامل او نخواهد بود. و شفاعت شافعان را در این عالم، ظهور هدایت آنان می داند که در عالم آخرت به صورت شفاعت بروز ظهور می یابد و هر قدر افراد از هدایت اولیاء الهی در این دنیا استفاده کنند به همان میزان در آن عالم بهره مند از شفاعت آنان می باشند.

(خمینی، روح الله، آداب الصلاه، موسسه و تنظیم و نشر امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

و در رابطه با شفاعت روایاتی وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اعطیتُ خَمْسًا... و أعطیتُ الشَّفَاعَةَ فَادْخُرْتَهَا لِأُمَّتِي فَهِيَ لِمَنْ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا: خداوند بزرگ بر من پنج امتیاز داده است... که یکی از آنها شفاعت است و آن را برای امت خود نگه داشته ام، شفاعت برای کسانی است که شرک نورزند.

(احمد ابن حنبل، همان، ج ۴، ص ۴۱۷).

بر خلاف عقیده وهابيون، شفاعت در عالم برزخ نیز ثابت است، آنها که ادعا دارند به فعل سلف صالح عمل می کنند، باید بدانند که برخی از صحابه بعد از وفات پیامبر از او درخواست شفاعت کرده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از مرگ، زندگی برخی دارد و سخنان و دعاهای امت خود را می شنود.

نتیجه گیری

ملاک تحقق شرک، اشتراک هم عرض دویا چند چیز است. نمی توان ادعا کرد که هر کس موحد است، باید مستقیماً اثر و فعل خداوند بداند، بلکه پذیرش نظام علت و معلولی موید و مکمل اعتقاد به توحید است. اشتباه بزرگ وهابیت در این مورد نادیده گرفتن کلی نظام علت و معلولی و بی اثر دانستن اسباب است. با توجه به آیات و روایات و آموزه های دینی این نتیجه به دست می آید که شرک مراتب و قلمرو خاص خود را دارد و هر عملی که در آن به غیر خداوند ارزش داده شده، در محدوده شرک قرار نمی گیرد، بلکه اگر این کار به صورت مستقل و به قصد عبادت انجام شود شرک است. در موادی که بزرگان وهابيون آنها را از مصادیق شرک بر شمرده اند، به هیچ وجه تاثیر و عمل به صورت استقلالی نیست و کسانی که به انبیاء و اولیاء الهی و سایر موارد، تبرک و توسل می جویند و از آنان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

درخواست شفاعت می کنند، صرفاً آنها وسیله ای برای تقرب به خداوند متعال می دانند، هدف و نیت آنان، پرستش و عبادت آنها در برابر و کنار خداوند نیست.

ابن منظور محمد ابن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارحیاء الثروت العربی، ج ۱۲، ص ۹۰۰.)

توسل در اصطلاح به معنایی: واسطه قرار دادن شی یا شخصی است برا وصول به مطلوب .

(طاهری خرم آبادی، سید حسن، پاسخ به شبهات وهابیت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، جلد دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰.)

فهرست منابع

قرآن

اسماعیل بن عمر ابن کنیز، البدایه النهایه . احمد ابن حنبل، مسند احمد، بیروت، موسسه الرساله، جلد ۳۸، ۱۴۲۱ق - ۱
حسن احمدی، سید جعفر شهیدی، محمد معین، علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۳-، بیروت، مکتبه المعارف، جلد ۱، ۱۹۳۵ق
سید حسن طاهری خرم آبادی، پاسخ بر شبهات وهابیت، قم، دفتر ۴- تهران، موسسه چاپ انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱، ۱۳۷۷
حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت ارشاد فرهنگ ۵- انتشارات اسلامی، چاپ دوم، جلد ۲، ۱۳۸۶
حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، تهران، موسسه الصادق الطباعه والنسر، ۶- ارشاد اسلامی، چاپ دوم، جلد ۱۳، ۱۳۶۸
روح الله خمینی، آداب الصلاه، موسسه ۸- خلیل بن احمد فراهیدی، بیروت، موسسه الاعملی للمطبوعات، جلد ۱، ۱۴۰۸-۷-۱۴۱۶ق
علیرضا ۱۰- شهید ثانی، الروضه البهیة، مکتب اعلام اسلامی، چاپ دوم، جلد ۱، ۱۳۶۵-۹. و تنظیم و نشر امام خمینی، ۱۳۸۸
علی اصغر، رضوانی، البانی بن باز محدث مفتی ۱۱- برازش، تفسیر اهل البيت علیه السلام، نشر امیر کبیر، چاپ دوم، جلد ۴، ۱۳۹۶
علی اصغر رضوانی، ابن تیمیه مؤسس افکار وهابیت، قم، انتشارات جمکران، ۱۲- ۱۳۹۰-۱۲. وهابیان، تهران، نشر معشر، جلد ۴، ۱۳۹۰
عبدالرزاق بن ۱۴- کاوس روحی بندق، لیلا مرادی، نقد مبانی وهابیت در مسئله شرک، تهران، پژوهش نامه معارف قرآنی، ۱۳-۱۳۹۰
محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالفکر الطباعه والنشر ۱۵- همام صنعائی، الصنف، بیروت، المجلس العملی، ۱۴۰۳
سید ۱۷- سید محمد حسین، طباطبایی، المیزان، قم، بنیاد فرهنگی علامه طباطبایی، جلد ۱، ۱۴۱۷-۱۶. والتوزیع، جلد ۳، ۱۴۲۰ق
محمد باقر علم الهدی، شفاعت، تهران، مرکز ۱۸- محمد باقر کاظم روحانی، شفاعت و توسل، قم، نشر معارف، چاپ، ۱۳۸۴
ناهید فوزی، عبدالوهاب البیانی حیاه وشعره، نشر ثارالله، چاپ اول، جلد ۴، ۱۹- فرهنگی انتشارات منیر، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۸۶،

۱۳۸۶.